



The Function of Monotheism in Lifestyle

Ismaeil Alikhani¹ 

© The Author(s) 2024.

Submitted: 2023.06.11

Accepted: 2024.01.29



Abstract

One of the most important sociological, psychological, and theological issues in the contemporary world is "lifestyle". The significant point here is the role of worldviews in forming, dividing, and explaining the lifestyle. The divine and material worldviews divide the lifestyle into two important types. The subject matter of this article is the role of monotheism, as the most important foundation and infrastructure of Islam, in the lifestyle. This paper has answered these questions using a descriptive-analytical method: What is the role of belief in God in people's lifestyles? What are the main characteristics of a monotheistic lifestyle? Is there only one type of monotheistic lifestyle or one can believe in different types of it? The results of this article show that monotheism completely changes the lifestyle and a believer's lifestyle is completely different from a non-believer's lifestyle. Moreover, a monotheistic lifestyle leads to an optimistic view of the world and life, a profound and comprehensive understanding of the human being and the world, balance in life choices, deep pleasures, a coherent system in life, superior knowledge and values, rational action in life, making the immeasurable aspects of affairs measurable, creating the capacity of having superior choices, and directing the choices. Finally, the monotheistic lifestyle has different levels, so we are not faced with only one type of monotheistic lifestyle.

Keywords

God, religion, monotheism, lifestyle, monotheistic lifestyle

1. Associate Professor, Department of Kalam, Iranian Institute of Philosophy, Tehran, Iran. (E.alikhani@irip.ac.ir)



کارکرد توحید در سبک زندگی

اسماعیل علی‌خانی^۱

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

چکیده

سبک زندگی از موضوعات مهم جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و البته دین‌شناختی در جهان معاصر است. نگرش‌های کلان و جهان‌بینی در ایجاد، تقسیم و تبیین سبک زندگی نقش دارند. نگرش‌های کلان الهی و مادی سبک زندگی را به دو گونه مهم الهی و مادی تقسیم می‌کند. مسئله اصلی این نوشتار نقش مهم‌ترین بنیان و زیرساخت اسلام، یعنی توحید، در سبک زندگی است. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ گفتن به این پرسش‌هاست: خداباوری چه نقشی در سبک زندگی انسان‌ها دارد؟ ویژگی‌های اصلی سبک زندگی توحیدی چیست؟ و آیا تنها یک گونه سبک زندگی توحیدی وجود دارد یا می‌توان به گونه‌های متفاوت سبک زندگی توحیدی باور داشت؟ دستاوردهای پژوهش عبارت‌اند از این که باور به توحید سبک زندگی را به طور کلی دگرگون می‌کند و سبک زندگی خداباورانه به کلی متفاوت از غیر آن است؛ سبک زندگی موحدانه باعث نگاه خوش‌بینانه به عالم و زندگی، فهم عمیق و جامع از انسان و جهان، تعادل در گزینش‌های زندگی، لذت‌های عمیق، نظام منسجم در زندگی، علم و ارزش‌های برتر و کنش عقلانی در زندگی، سنجش‌پذیر ساختن جنبه‌های سنجش‌ناپذیر امور، ایجاد ظرفیت گزینش‌های برتر و جهت دادن به گزینش‌ها می‌شود. در نهایت، سبک زندگی توحیدی دارای مراتب تشکیکی است و چنین نیست که تنها با یک گونه سبک زندگی موحدانه مواجه باشیم.

کلیدواژه‌ها

خدا، دین، توحید، سبک زندگی، سبک زندگی توحیدی

۱. دانشیار گروه کلام، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران.

(E.alikhani@irip.ac.ir)

مقدمه

مفهوم «سبک زندگی» مفهومی نسبتاً جدید در ادبیات علوم اجتماعی است. هرچند زندگی افراد بشر در طول تاریخ و در جامعه‌های مختلف همواره بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و مناسبات رفتاری معین نظم و نسق یافته است، اما در ادبیات علوم اجتماعی، سبک زندگی محتوایی فراتر دارد و به واسطه همین محتوا، از اصلی‌ترین نشانه‌های تحولات اجتماعی و فرهنگی چند دهه اخیر غرب به حساب می‌آید. این بحث در طول تاریخ، تحت عنوان «فرهنگ»، «هویت» و ... مطرح بوده است.

امروزه سبک زندگی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ هم‌چنان‌که برخی از جامعه‌شناسان در طلیعه قرن بیست‌ویکم گفتند: «هم‌چنان‌که جامعه‌شناسی به سوی قرن بیست‌ویکم می‌رود، همه شاخص‌ها نشان می‌دهند که پژوهش درباره سبک‌های زندگی می‌رود تا کانون تمرکز رشته جامعه‌شناسی باشد» (Cockerham et al 1993, 423). اهمیت و رواج فزاینده مفهوم «سبک زندگی» بدین دلیل است که ابزارهای مفهومی دیگر، نظیر «طبقه» که متکی بر روایت‌های کلان از پدیده‌های اجتماعی است، کارایی خود را از دست داده‌اند و دیگر نمی‌توانند تنوع و پیچیدگی دنیای اجتماعی را توضیح دهند.

از نکات قابل توجه در موضوع سبک زندگی، نقش نگرش‌های کلان و جهان‌بینی در ایجاد، تقسیم و تبیین آن است. نگرش‌های کلان الهی و مادی، سبک زندگی را به دو گونه مهم الهی و مادی تقسیم می‌کند. مسئله اصلی این نوشتار، مهم‌ترین بنیان و زیرساخت سبک زندگی اسلامی و نقش آن در سبک زندگی است. نگرش مادی به عالم و انکار وجود خدای واحد باعث یک سبک زندگی و نگرش الهی به آن و باور به خداوند باعث گونه دیگری از سبک زندگی برای انسان‌ها می‌شود. پرسش اصلی این است که خدا باوری چه تأثیری در سبک زندگی انسان‌ها دارد و ویژگی‌های اصلی سبک زندگی ناشی از این باور چیست.

در اینجا اشاره به یک نکته بایسته است و آن این‌که توصیف این نوشتار از توحید و سبک زندگی توحیدی، توصیف اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان از خوانش توحید است، نه خوانش گروه‌های افراطی اسلامی، نظیر وهابیت و غیره. معیار تشخیص درستی این خوانش و سبک زندگی در اسلام و عدم سازگاری خوانش گروه‌های افراطی از سبک زندگی توحید باوری، سبک زندگی رسول گرامی اسلام (ص) و اهل بیت (ع) است.

اهمیت و ضرورت این پژوهش در این امر نهفته است که همه هویت و خوش‌بختی

یا تیره‌روزی انسان‌ها ناشی از اعتقاد به خداوند یا عدم اعتقاد به او است. بنابراین، پرداختن به این مسأله و برجسته‌ساختن نقش آن در سبک‌سازی زندگی‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر، ارائه یک الگوی مناسب برای پرداختن به موضوع سبک زندگی، زمینه مناسبی برای پژوهش‌های بعدی و نیز دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و همه کسانی است که دغدغه سبک زندگی دینی و اسلامی دارند.

۱. تعریف سبک زندگی

سبک زندگی، مطابق نگرش دوران معاصر، در نوشته‌های اندیشمندان مختلف جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دارای تعریف‌های متفاوت است و نمی‌توان به یک تعریف مورد اتفاق در این زمینه دست یافت. حتی برخی از اندیشمندان بر این باورند که «تقریباً هیچ توافق تجربی یا مفهومی درباره این‌که چه چیز سازنده سبک زندگی است، وجود ندارد» (Soble 1981, 2). برخی نیز معتقدند که می‌توان مفهوم سبک زندگی را بسته به موضوع مورد مطالعه به شیوه‌های گوناگون تعریف کرد و ارائه تعریفی از آن نافی بقیه شیوه‌های کاربرد این مفهوم نیست (Loov & Miegel 1990, 25).

آلفرد آدلر، که از منظر روان‌شناختی به سبک زندگی می‌پردازد، سبک زندگی را همان شخصیت مرکزی یک فرد می‌داند؛ شیوه‌ای که فرد با آن به جهان پیرامون پاسخ می‌دهد (Wells 1976). او سبک زندگی را کلیت بی‌همتا و فردی زندگی می‌داند که همه فرایندهای عمومی زندگی ذیل آن قرار دارند (Adler 1956, 112).

اندیشمندان دیگر، نظیر جورج زیمل، آنتونی گیدنز، ماکس وبر، پی‌یر بوردیو و ... عموماً به سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی یا حوزه مطالعات فرهنگی پرداخته‌اند. از نظر جورج زیمل، سبک زندگی تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ عینی خویش و شناساندن آن به دیگران است (Simmel 1964, 314). از نظر پی‌یر بوردیو، «سبک زندگی دارایی‌هایی است که اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف با آن خویشتن را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از دیگران تمایز می‌بخشند» (Bourdieu 1984, 76). آنتونی گیدنز سبک زندگی را نحوه زیستن افراد می‌داند. این نحوه زیستن مجموعه‌ای از رفتارها است که فرد با به‌کارگیری آنها هم نیازهای جاری خویش را برمی‌آورد، هم روایت خاصی را که برای هویت خویش برگزیده است، در برابر دیگران مجسم می‌کند (گیدنز ۱۳۸۲، ۱۱۹).

توجه به این نکته بایسته است که سبک زندگی از جنس رفتار است و ارزش‌ها،

نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی افراد از دایره این مفهوم بیرون است (نک. فاضلی ۱۳۸۲، ۶۳)، اما چنین نیست که ارزش‌ها و نگرش‌ها بی‌ارتباط با سبک زندگی باشند. سبک زندگی بعد «نمایش‌گرانه» هویت یک انسان است و جنبه‌های نادیدنی هویت انسانی را در قالب انتخاب‌ها و رفتارها نمایان می‌کند (فاضلی ۱۳۸۲، ۳۱-۳۰). بنابراین، تا حد زیادی همین ارزش‌ها و دیدگاه‌های بنیادین است که پایه و اساس سبک زندگی را شکل می‌دهد؛ هرچند عوامل محیطی و اقلیمی و فردی را نیز نادیده نمی‌گیریم. به بیان گیدنز، سبک زندگی راهی برای شناخت نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد است (گیدنز ۱۳۸۲، ۱۱۹-۱۲۰).

با توجه به آنچه گذشت، مقصود ما از سبک زندگی در این نوشتار، شیوه، روش یا طرز زندگی یک فرد یا گروه است که منعکس‌کننده نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، معیارهای اخلاقی، سلیقه‌ها، عادت‌ها و وضعیت اقتصادی است. مطابق این تعریف، از طریق سبک زندگی و ژرف‌اندیشی درباره آن می‌توان به هنجارهای نهان در باور و رفتار یک فرد یا گروه پی‌برد و جهت‌گیری‌ها و الگوهای موجود یا در حال شکل‌گیری را به نحو واقع‌بینانه تحلیل کرد.

با توجه به این تعریف، از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در سبک زندگی، نقش باورهای دینی در سبک زندگی است. سبک زندگی، هم امری اجتماعی و متأثر از عوامل اجتماعی و محیطی است، هم امری فردی و ناشی از سلیقه‌ها و خواسته‌های فردی و هم متأثر از باورها و ارزش‌های پذیرفته‌شده فرد (شریفی ۱۳۹۲، ۳۴).

۲. جهان‌بینی و سبک زندگی

با توجه به تعریف ما از سبک زندگی، به‌وجودآمدن سبک‌های زیستی در هر جامعه، نسبت مستقیمی با سرمایه‌های فرهنگی، نظام‌های ارزشی و هنجارهای حاکم بر آن جامعه دارد. باورها، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان از عناصر محوری هر جهان‌بینی اجتماعی‌اند و به‌وجودآورنده کنش‌ها، هنجارها و تحولات جامعه. تفاوت در جهان‌بینی و اعتقادات به تفاوت در اخلاق می‌انجامد و تفاوت در اخلاق در تفاوت میان سبک زندگی هویدا می‌شود (حداد عادل ۱۳۸۹، ۷۳).

۳. رابطه انسان با خدا

در ادیان توحیدی، نخستین و مهم‌ترین ارتباط، ارتباط میان خدا و انسان است. جهان‌آدیان

توحیدی، به لحاظ هستی‌شناختی، جهانی خدامحور است. یعنی خدا در مرکز هستی قرار دارد و همه موجودات، از جمله مهم‌ترین آنها، یعنی انسان، آفریده و تحت سیطره و مشیت او هستند. از این منظر، هیچ چیز در جهان یارای هم‌ترازی با او نیست. به همین دلیل، همه موجودات در مراتب بسیار پایین‌تر از او قرار دارند. با این حال، به تبع خود اراده خداوند می‌توان برای انسان در میان مخلوقات الهی جایگاهی ممتاز قائل شد و میان خدا و انسان رابطه‌ای ویژه، فراتر از رابطه خدا با سایر موجودات ترسیم کرد؛ زیرا، سرشت انسان و وظایف و سرنوشت او، بعد از خدا، از اهمیت دوم برخوردار است. افعال و فرامین الهی، تا حد زیادی در ارتباط با انسان و نحوه واکنش او در برابر خداوند است. این، مسأله‌ای است که با نجات و رستگاری نوع بشر سر و کار دارد و اگر این مسأله نبود، بسیاری از افعال و فرامین خداوندی تحقق نمی‌یافت (نک. ایزوتسو ۱۳۶۸، ۹۱، ۹۲، ۱۱۹).

فضای هستی‌شناسانه برآمده از متون ادیان توحیدی فضایی آرام و توصیف‌گونه نیست. به عبارت دیگر، نمی‌توان متون مذکور را بسان مکتوبی توصیفی، که به آرامی وقایع تاریخی یا حوادث مربوط به زمان خود را گزارش می‌کند، دانست. این متون صحنه‌ای را درباره جهان تصویر می‌کند که در آن «دو قطب»، هم‌راه با مجموعه‌ای از «ارتباطات» پرتنش، بالنده و نیرومند به چشم می‌خورد. در یک سوی این دو قطب، خدایی است که همه پدیده‌های عالم را آفریده است تا مقدمه‌ای برای آفرینش انسان باشد و هر چه می‌کند و می‌گوید، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با جنبه‌ای از ابعاد انسان، هستی، نیازها، خلیقات و اعمال او است و از سوی دیگر، انسان است؛ که خود را مخلوقی می‌یابد که در میان همه مخلوقات دیگر، مورد توجه و اهتمام خالق خویش است و نیز از جانب او عهده‌دار مسئولیت‌ها و وظایفی است (ایزوتسو ۱۳۶۸، ۹۱).

۴. باور به خدا و سبک زندگی

هر جهان‌بینی یا حکمت نظری دارای حکمت عملی خاص خویش است (نک. لک‌زایی ۱۳۸۷، ۶۹). دین اسلام نیز از این قاعده مستثنا نیست و برای شیوه زندگی مؤمنان برنامه عملی و عملیاتی دارد. به بیان دیگر، سبک زندگی مؤمنان انعکاس نگرش آنان به هستی و هستی‌بخش و جایگاه انسان از منظر آفریننده و نقش او در عالم خلقت است. سبک زندگی اسلامی جلوه‌ای از ربوبیت الهی و اسماء و صفات الهی در عالم هستی و زندگی انسان است.

مهم‌ترین و بنیادی‌ترین باور در ادیان توحیدی، که در همه ابعاد زندگی یک موحد حقیقی نمود دارد، باور به اصل وجود خداوند و توحید است. این باور اساس زندگی یک مؤمن است و چارچوب زندگی او را ترسیم می‌کند و نقشی حیاتی و راهبردی در سبک زندگی انسان ایفا می‌کند. این باور صرفاً امری ذهنی یا نظریه‌ای فلسفی و فکری نیست؛ بلکه یک بنیان برای زندگی مؤمنان است و در چگونگی زیستن آنان سهیم است و در تصمیم‌گیری‌های مختلف زندگی نقش ایفا می‌کند و به آنان اجازه نمی‌دهد در موقعیت‌های عملی زندگی بی‌تفاوت از کنار آن بگذرند.

سبک زندگی‌ای معقول و معتبر است و ارزش آن را دارد که انسان عمر خویش را در مسیر آن و همراه با آن طی کند که بر مبنایی محکم، معقول و حقیقی استوار باشد. پیداست که محکم‌ترین و معقول‌ترین مبنا برای یک زندگی، استواری آن بر خالقیت و ربوبیت یک خدای متعال، غنی بالذات، ابدی و ازلی برای نظام هستی و زندگی انسان و رابطه حقیقی و پیوسته او با انسان است. چنین سبک زندگی‌ای ریشه در واقعیت نفس‌الامری دارد و صرفاً بر یکسری اعتباریات و قراردادهای استوار نیست. چنان‌که، به بیان ملاصدرا، علت وجوب بخشی قوانین شرعی این نکته است که آنها ریشه در واقعیت نفس‌الامری و تکیه بر مصالح و مفاسد واقعی دارند و صرف قرارداد نیستند (ملاصدرا ۱۳۷۱، ۱۵۰).

بنابراین، پذیرش یا عدم پذیرش وجود خداوند خالق و مدبر در عالم، به‌ویژه در عالم انسانی، باعث دو گونه سبک زندگی الهی و مادی می‌شود. روشن است که هم اصل زندگی انسان و هم سبک زندگی او به لحاظ تکوینی تحت ربوبیت و تدبیر خداوند و مقدرات الهی است؛ آنچه لازم است این است که به لحاظ تشریحی نیز زندگی او تحت ربوبیت الهی، یعنی مطابق با اوامر و نواهی الاهی باشد.

۵. ربوبیت الاهی و سبک زندگی

از مهم‌ترین اصول خداباوری، اصل ربوبیت تام الهی بر هستی و زندگی انسان است. در ادیان توحیدی مهم‌ترین مبنایی که همه ارکان دین بر آن بنا نهاده می‌شود، توحید در مراتب گوناگون است؛ باور به این‌که عالم هستی دارای یک خالق، یک مدبر و یک نگاهدارنده و پشتیبان است. آن‌گاه که انسان‌ها با نظام «باور_میل» به یگانگی و ربوبیت الهی در عالم اذعان می‌کنند و به آن، باور قلبی پیدا می‌کنند و تمایلات خود را بر اساس این باور تنظیم می‌کنند، سبک زندگی آنان دینی و الهی می‌شود. سبک زندگی مبتنی بر ربوبیت الهی بیان‌گر

تحقق خواست خداوند در زندگی فردی و اجتماعی یک مؤمن است. شناخت تدبیرگری خداوند در زندگی انسان و کیفیت این تدبیرگری احسن در نظام هستی و نیز در زندگی انسان باعث دوری او از نگرش‌ها، گرایش‌ها و سبک‌های غیرالهی می‌شود (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۱، ۲-۳). کسانی که به تدبیرگری خداوند در عالم اذعان دارند و بر این باورند که هیچ یک از موجودات عالم، از جمله انسان، از حیطة ربوبیت الهی خارج نیستند، سبک زندگی الهی را تجربه می‌کنند.

به‌کارگیری این اصل نقش بسیار مهمی در زندگی دارد. لازمه این اصل آن است که انسان از استعداد و ظرفیت تکامل و شکوفاشدن و تعالی به مراتب بالاتر برخوردار باشد. از سوی دیگر، خداوند همه اسباب ارتقای او به سوی سبک زندگی کامل را مهیا کرده است. مطابق این نگاه، سبک زندگی توحیدی منحصر به زمان و مکان خاصی نیست و دستیابی به آن در همه زمان‌ها و مکان‌ها امکان‌پذیر است؛ چرا که ربوبیت خداوند محدود و مقید به زمان و مکان خاصی نیست. به بیان ملاصدرا، خدای متعال با ربوبیت تشریحی خویش همه موانع و بهانه‌ها را از سر راه انسان برداشته است (ملاصدرا ۱۳۶۳، ۳۱۸).

اگر شخص خدا‌باور بتواند چگونگی زندگی خویش را بر اساس تدبیر الهی تنظیم کند، به کمال حقیقی خویش در زندگی دست می‌یابد. سر این مطلب در این نکته نهفته است که از آنجا که نظام چینی‌تکوینی عالم نظام حکیمانه و بهترین چینی‌ست، کسانی که زندگی خود را بر اساس و در مسیر مدیریت الهی تنظیم می‌کنند، به بهترین زندگی دست می‌یابند. این هماهنگی اراده انسان با اراده الهی، زندگی مؤمن را به بهترین زندگی تبدیل می‌کند.

۶. هدف سبک زندگی توحیدی

آنچه یک سبک زندگی را از سایر سبک‌ها برتر و ارزش‌مندتر می‌سازد، هدف و غایت برتری است که برای یک زندگی ترسیم می‌شود. سبک‌های مختلف زندگی بر اساس اهداف متفاوتی که افراد برای زندگی خود ترسیم می‌کنند، شکل می‌گیرند. اهداف و غایات نیز برآورنده نیازهای افراد هستند؛ با تغییر اهداف، نیازها نیز تغییر می‌یابند و در نهایت، سبک زندگی تغییر می‌کند (محمدی پیرو ۱۴۰۰، ۱۶۷-۱۶۸). به عنوان نمونه، چون غایت یک انسان موحد تقرب به خداوند و رضایت حق تعالی است، نیاز به امور معنوی برای او اولویت می‌یابد. سبک زندگی چنین فردی به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که همه فعالیت‌ها و

رفتارهای او را در مسیر تقرب به خداوند قرار می‌دهد. به همین دلیل است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «نیت مؤمن از عمل او برتر است» (کلینی ۱۴۱۳، ۲: ۸۴). در اینجا حتی کارهای بدنی و مادی او نیز رنگ و بوی الهی به خود می‌گیرد.

هدف نهایی در سبک زندگی، نیل به سعادت و کمال است. سعادت ذاتاً مطلوب انسان است و بالاتر از آن مطلوبی وجود ندارد (فارابی ۱۹۹۵، ۱۰۱). البته سعادت دارای مراتب تشکیکی است و علاوه بر سعادت نهایی و حقیقی، شامل سعادت‌های نسبی و متوسط نیز می‌شود. سعادت هر چیزی در درون ذات همان شیء و مختص به او و سازگار با طبع اوست. به همین دلیل، به هر میزان صاحب آن نسبت به آن درک بیشتر و بهتری داشته باشد، امکان بهتر و بیشتری برای نیل به آن برای او وجود خواهد داشت. کمال و سعادت حقیقی انسان، تقرب به حضرت حق و جداسدن از ماده و مادیات است (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۱: ۲)؛ چرا که خداوند اصل و قوام انسان و همهٔ اشیاء است.

مهم‌ترین ویژگی غایت برتر و سعادت نهایی، برتری از صاحب خود است. جز ذات خدای متعال همه چیز دارای مطلوب فوق خود است (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۵: ۲۰۳-۲۰۴) و الا نیل به کمال و شکوفاشدن استعدادها معنا ندارد. به همین دلیل است که کسانی که نیل به سعادت و کمال خویش را وامی‌نهند یا در مصداق کمال به خطا می‌روند، از حریم ذات خویش فروتر رفته، تبدیل به نوع پست‌تر از خود می‌شوند (فرقان: ۴۴).

۷. نقش توحید در سبک زندگی

باور به توحید در مراحل مختلف پیدایش، رشد و تحول سبک‌های مختلف زندگی تأثیرگذار است. این باور با ارائه آگاهی‌ها، تجربیات و تمایزهای میان امور قدسی و غیر آن، در شناخت جهان و ترسیم طرحی از آن به فرد یاری می‌رساند. هم‌چنان‌که احساس‌هایی نظیر رضایت، ترس و احترام را در فرد برمی‌انگیزد، که می‌توانند در نوع نگاه او به زندگی مؤثر باشند. اثر دیگر این است که باور به توحید با برخورداری از مجموعه قواعد و هنجارهای رفتاری و شعائر، ارائه‌کنندهٔ یک الگو برای زندگی فردی و اجتماعی است. کمک به شکوفاساختن خلاقیت افراد و ایجاد انگیزه‌های الهی و معنوی برای گذر از محدودیت‌های وراثتی و محیطی تأثیر دیگر خداباوری در سبک‌دهی به زندگی است.

بنابراین، باور به توحید در میدان‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی شخص اثر می‌نهد؛ چرا که هم یک جهان‌بینی و نظام معنایی به او می‌دهد؛ هم فضا و میدانی برای زندگی مهیا می‌کند تا کسانی که به آن می‌گروند، سبک زندگی‌ای متمایز از غیر داشته باشند.

این تأثیرات را در عناوین ذیل دنبال می‌کنیم:

۷-۱. نگاه خوش‌بینانه به عالم و زندگی

از دستاوردهای مهم پذیرش ربوبیت الهی در زندگی این است که دارندگان سبک زندگی توحیدی حقیقتاً هیچ شر و بدی را در عالم و حیات بشری و زندگی خویش نمی‌بینند. آنان همه امور و رخدادها را بر وفق قضای الهی و قضای الهی را بهترین تدبیر و تنظیم برای عالم می‌دانند.

خوش‌بینی ریشه در باور افراد نسبت به علل رخدادها و حوادث دارد. هر فردی برای نسبت‌دادن یک پدیده به علتی معین تمسک می‌جوید، که از آن به «سبک تبیین» یاد می‌شود. خوش‌بینی یا بدبینی نسبت به رخدادهای زندگی به سبک تبیین و تحلیل فرد از رویدادهای مختلف زندگی برمی‌گردد (سلیگمن و همکاران ۱۳۸۳، ۷۲).

دارندگان ایمان به خداوند به زندگی خوش‌بین هستند و برای رخدادهای زندگی توجیه و تبیین معقول و مثبت دارند (Extremera et al 2009, 137) و با شیوه مقابله، مشکلات زندگی را به نحو مؤثرتری حل می‌کنند و در نتیجه کارایی بیشتری را در زندگی تجربه می‌کنند (Scheier et al 1994). آنان به امکانات، فرصت‌ها، توانمندی‌ها، خوبی‌ها، زیبایی‌ها، عشق و به خدا به مثابه عالی‌ترین منبع عشق و زیبایی و خوبی توجه دارند (علی‌خانی ۱۳۹۴، ۱۱۱). از منظر خداپاوران، سراسر زندگی انسان عشق و شور و خود انسان کانون خوشی و لذت و سعادت است؛ اما به شرطی که بخواهد و بتواند از این کانون بهره‌برداری کند. هیچ غمی نیست که قابل تبدیل به سرور و بهجت نباشد. تربیت‌شدگان مکتب وحی، حتی مصیبت‌ها را نیز زیبا می‌بینند؛ زیرا همه چیز را از خدا و در محضر خدا می‌دانند (بقره: ۱۵۶). برای آنان هیچ مشکلی لاینحل نیست؛ زیرا به قدرتی فوق همه قدرت‌ها تکیه دارند؛ به همین دلیل هیچ‌گاه دچار بدبینی، پوچی و نگرانی نمی‌شوند. البته، در اینجا به این نکته توجه داریم که مقامات مختلف اهل ایمان، اعم از ضعفا، متوسطین و اولیاء خاص الاهی که در توجه تام به حضرت حق به سر می‌برند، متفاوت است؛ اما به هر روی، نگاه کلی اهل ایمان به عالم، نگاه مثبت و خوش‌بینانه است.^۱ با توجه به این نگاه است که مشکلات عالم را نیز جزئی از برنامه تربیتی و سنت‌های الاهی می‌دانند و از دنیا انتظار بهشت و بهترین زیستن را ندارند.

از جلوه‌های خوش‌بینی در دین توحیدی اسلام این است که هر سوره‌ای از قرآن با نام مبارک «رحمان» و «رحیم» آغاز می‌شود، که علاوه بر بشارت رحمت خاص بر مؤمنان

و مسلمانان، رحمت عام برای همگان را وعده می‌دهد. قرآن مؤمنان و صالحان سایر ادیان الهی را نیز بشارت به نجات می‌دهد و زندگی آنان را ارزشمند می‌داند (بقره: ۶۲). نام‌های نود و نه‌گانه خداوند مشتمل است بر: حب، احسان، لطف، رحمت، بخشش، گذشت، جود، شفقت. خدای متعال رحمتش گسترده است و بر خشمش تقدم دارد و ابتدائاً نگاه رحیمانه به بندگان دارد و خشم و غضبش در مرحله‌ای است که پای تعدی بندگان و عدالت خداوند به میان آید. به همین دلیل است که به‌رغم قدرتش، سرکشان را مهلت می‌دهد و توبه و بازگشت مجرمان را می‌پذیرد (زمر: ۵۳؛ توبه: ۱۰۴؛ بقره: ۵۴؛ حدید: ۲۸).

یکی از جلوه‌های مهم خوش‌بینی، خوش‌بینی کیهانی است؛ این‌که بنای عالم بر خیر و عدالت و انتهای نیک برای هستی، به‌ویژه انسان‌ها است و خداوند به آفریدگانش نگاه لطف و رحمت دارد. خوش‌بینی کیهانی این وعده را به انسان می‌دهد که پایان کار جهان و انسان خداپاور توأم با کمال و سعادت است. مطابق خوش‌بینی کیهانی، غایت خیر انسان در تفکر دینی است (Hick 2002, 176). خوش‌بینی کیهانی ادیان توحیدی ناشی از این نگرش است که جهان خدامحور، همواره به سوی غایتی کامل و خیر در حرکت است و آفرینش دارای ساختاری متناسب با این غایت است.

جلوه دیگر خوش‌بینی توحیدی این مژده است که می‌توان یک‌باره یا به‌تدریج به تحولی نجات‌بخش دست‌یافت و از طریق آن ارتباط تازه‌ای با واقعیت غایی برقرار ساخت. نکته مهم این است که این غایت مطلوب برای همگان دست‌یافتنی است. این خوش‌بینی و بشارت باعث می‌شود که انسان حتی در تاریک‌ترین لحظه‌های زندگی که آکنده از رنج و اندوه است، بتواند به اطمینان قلبی و امید دست یابد.

۲-۷. دست‌یابی به فهم عمیق و جامع از انسان و جهان

دستاورد دیگر باور به خداوند و تدبیر الهی در هستی، دست‌یابی به تصویری ویژه از هستی، انسان و کنش‌های او است. مؤمنان توصیف حقیقت انسان و حالات و رفتارهای او از سوی خداوند را می‌پذیرند. بنابراین انسان را دارای دو بعد مادی و معنوی، سالک الی‌الله، سرشار از استعداد به دو جانب سعادت و شقاوت، دارای قدرت انتخاب و زندگی دنیوی را ناپایدار، متاع اندک و آخرت را ماندگار، برتر و حیات حقیقی می‌دانند و در نتیجه، زندگی خویش را مطابق با این تصویر تنظیم می‌کنند. واضح است که بسیاری از کنش‌های ناروای انسان‌ها ناشی از تصویر ناراست آنان از جهان، انسان و زندگی است. از

آنجا که آنان به نظام حکیمانه عالم پی‌نبرده‌اند، تلاش می‌کنند همه چیز را تغییر داده، با خواسته‌های خویش هماهنگ کنند؛ اما، آنان که به این نظام حکیمانه توجه دارند، به آن خشنود می‌شوند؛ چرا که به این باور دست یافته‌اند که خدای مهربان حکیم، کار بیهوده انجام نمی‌دهد؛ به همین دلیل، سعی می‌کنند رمزها و سنت‌های عالم را کشف و آشکار سازند و اعمال خود را مطابق با آنها تنظیم کنند.

باور به ربوبیت الهی، بستر و زمینه مناسب و لازم را برای ارائه پرسش‌های مهم‌تر، اساسی‌تر و کارآمدتر و فهم عمیق‌تر و جامع از علل وقایع و رخدادهای جهان بیرونی و درونی انسان فراهم می‌کند. مؤمن در همه رخدادها دست توانمند و حکیمانه الهی را می‌بیند و بدین‌سان تبیینی معقول و نظام‌مند از وقایع ارائه می‌دهد. او با قدرت تشخیص ناشی از ایمان و تقوی، به روابط پنهان میان مسائل گوناگون پی‌می‌برد (اعراف: ۹۶). به عنوان نمونه، دنیای مادی پر از شر و رنج و غم و سختی است؛ اما اهل ایمان به این نکته واقف هستند که همین سختی‌ها و امور به‌ظاهر شر و بد، پله ترقی و تربیت انسان‌ها و موجب تبدیل کردن آنان به فولاد آبدیده است.

نوع اعمال انسان، که به نیت و جنبه‌های روحی او وابسته است، از خود آثاری در جریان علل و اسباب جهان باقی می‌گذارد. اگر کسی بتواند به آن جریان‌ها پی‌ببرد، طرز قضاوتش درباره رخدادها متفاوت خواهد بود؛ چنان‌که قضاوت موجود سه‌بعدی با قضاوت موجود دوبعدی در یک موضوع دو گونه خواهد بود (مطهری ۱۳۸۹، ۱: ۴۳۱). به همین دلیل است که به‌راحتی در برابر رخدادهای عالم، و در واقع، مقدرات الهی، سر تعظیم فرود می‌آورد و زندگی رضایت‌مندانه‌ای را سپری می‌کند. پیداست که با نگاه و تحلیل مادی، بدون باور به تدبیر الهی، بسیاری از امور، از جمله شرور، رنج‌ها و سختی‌های زندگی علت‌یابی نشده، بی‌پاسخ می‌ماند.

۳-۷. تأثیر در نظام‌گزینش‌ها

تأثیر باور به حضور خداوند در عالم و زندگی را می‌توان در ابعاد مختلف‌گزینشی مورد واکاوی قرار داد، نظیر آنچه در ذیل می‌آید:

الف. ایجاد ظرفیت برای‌گزینش‌های برتر

نخستین اثر باور به خدای خالق و مدبر در نظام‌گزینشی انسان این است که هم نظامی متقن و هماهنگ از نوع‌گزینش‌ها و هم ظرفیت لازم برای اولویت‌بندی جدید در اختیار انسان قرار می‌دهد. سبک زندگی نیز محصول همین نظام ترجیحات است. در نظام مبتنی

بر توحید، گزینش‌های انسان مبتنی بر اولویت‌ها و نیازهای واقعی او است. نکته مهم این است که این بستر از طریق وحی و پیامبران به صورت آماده در اختیار انسان قرار گرفته است و او در این گزینش‌ها دچار سردرگمی نیست. در دین توحیدی اسلام، به صورت مشخص نیازها و گزینش‌های مربوط به روح و بدن و حوزه‌های مختلف زندگی و اهمیت و اولویت هر یک و ایجاد تعادل میان آنها بر اساس مصالح نفس‌الامری و ارتباط آنها با سعادت ابدی در پنج مرتبه باید، نباید، بهتر، ناپسند و خنثی ارائه شده است. شریعت و فقه اسلام و نیز علم اخلاق و معارف باطنی عهده‌دار همین اوامر، نواهی و اولویت‌ها هستند. از سوی دیگر، باور به ربوبیت الهی مسیر هموار دسترسی به گزینش‌های مطلوب و برتر است. کسی که پس از سیر ربوبیت تکوینی خداوند به ربوبیت تشریحی او گردن نهد، به هدایت و کمال ثانی، یعنی اقتضائات ذاتی و فطری انسان نسبت به کمالات لاحق دست می‌یابد (طه: ۵۰؛ شعراء: ۷۸).

ب. جهت‌دهی به گزینش‌ها

از جمله لوازم باور به حضور حضرت حق در عالم، جهت‌دهی به ترجیحات زندگی است. همه انتخاب‌های یک انسان خدا‌باور در مسیر بندگی و ایجاد رضایت خداوند است. انگیزه الهی در کارها و قصد امتثال اوامر الهی، بدون باور به اصل وجود خداوند و ربوبیت شکل نمی‌گیرد. اعمال و رفتار همه انسان‌ها با نیت پیوند دارد؛ نیت الهی یا نیت مادی و دنیوی. همین نیت است که شکل‌دهنده هویت فرد است. همه اثر یک فعل در نفس انسان به سبب همین نیت و غایتی است که از فعل در نظر گرفته می‌شود (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۹: ۲۹۵). اوج نیت، شکل‌دهنده هویت نهایی انسان است (ملاصدرا ۱۳۶۰، ۱۸۸).

از سوی دیگر، انگیزه الهی اعمال باعث آثار بسیاری در انسان می‌شود. برای نمونه، (۱) اعمال انسان بدون انگیزه الهی پوچ و باطل است و صرفاً اثر مقطعی و محدود خواهد داشت. به بیان دیگر، انسان با انگیزه غیرالهی اساساً هیچ عملی نخواهد داشت (ملاصدرا ۱۳۰۲، ۲۱۹). (۲) انگیزه الهی در کارها به شکل محسوسی باعث ارتقای کیفیت زندگی می‌شود؛ به همان‌سان که انگیزه شهوانی و دل‌بخواهی مانع کمال لایق نفس و در ادامه، باعث فساد آن و دوری و انحراف آن از غایت خلقتش می‌شود. انگیزه الهی گزینش‌های شخص را در مسیر واحد و هماهنگ قرار می‌دهد و خود این امر به ارتقای نفس یاری می‌رساند. (۳) انگیزه الهی به اندازه‌ای مهم است که همه کمیت‌ها در برابر آن رنگ می‌بازد و اعمال و رفتارها، به هر میزان اندک و جزئی باشد، با آن به اوج و کمال، یعنی تقرب خداوند می‌رسد. (۴) انگیزه الهی کمبودهای ابزارهای مناسب و خطاهای انسانی را جبران

می‌کند و انسان را از دورشدن از هدف اصلی بازمی‌دارد. (۵) با دخالت دادن نیت الهی در زندگی، مرز بین امر مادی و معنوی و مقدس کم‌رنگ می‌شود و همه چیز رنگ خدایی به خود می‌گیرد (بقره: ۱۳۸).

۴-۷. ایجاد نظام منسجم در زندگی

در بحث‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مربوط به سبک زندگی، بر وجود یک نظام منسجم و واحد به عنوان یکی از شاخصه‌های سبک زندگی تأکید می‌شود؛ چرا که در صورت فقدان مجموعه واحد و هماهنگی از گرایش‌ها و کنش‌ها نمی‌توان سبک خاصی را الگوی رفتاری دانست. به عنوان نمونه، بورديو در کتاب نظریه کنش، «عادت‌واره» را به عنوان اصل متحدکننده زندگی معرفی می‌کند (بورديو ۱۳۸۰، ۷۶). از نظر فلسفی نیز تا اصلی انسجام‌بخش و وحدت‌آفرین بر چیزی حاکم نباشد، آن موجود نمی‌تواند به وجود آید و تداوم داشته باشد (ملاصدرا ۱۳۰۲، ۳۶۳). زندگی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

اعتقاد به الوهیت و ربوبیت تکوینی و تشریحی الهی، به بهترین نحو زندگی مؤمنان را منسجم، یک‌دست و نظام‌وار می‌سازد. از این رو، کسانی که این دو ربوبیت را می‌پذیرند، همه اجزای زندگی‌شان هماهنگ و دارای وحدت‌رویه است و از تضادها و دگرگونی‌ها و غم‌ها و شادی‌های اجزای زندگی دچار دگرگونی‌های کلی و بنیادین نمی‌شوند؛ بلکه آنها را در مسیر آزمایش و تکامل خویش می‌بینند. اوامر و نواهی الهی یا ربوبیت تشریحی یک سلسله آموزه‌هایی است که با آفرینش خاص انسان هماهنگ است و در نهایت، تأمین‌کننده خواسته‌های وجودی او است (طباطبایی ۱۳۸۸، ۲۳۳).

به بیان دیگر، در سبک زندگی توحیدی، یک رویکرد سیستمی به مسائل به وجود می‌آید. این سبک زندگی دارای پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی واضح و منحصر به فردی است؛ دارای تعریف‌ها، تبیین‌ها، اهداف و آرمان‌های خاص خود است و مراحل حرکت به سمت این آرمان‌ها را نیز تعیین کرده است. بنابراین کسانی که به ربوبیت الهی در عمل گردن می‌نهند، زندگی خویش را در یک نظام هماهنگ قرار می‌دهند که هم دارای یک جهان‌بینی واضح و مستحکم است؛ هم دارای اهداف و آرمان‌های روشن و معقول است و هم راه‌ها و مراحل نیل به آن اهداف را به وضوح بیان کرده است (نک. محمدی پیرو ۱۴۰۰، ۲۰۲).

بنابراین، باور به ربوبیت الهی، هم به لحاظ نظری نظریه‌ای منسجم برای سبک زندگی ارائه می‌دهد و هم به لحاظ عملی قابلیت اجراء دارد؛ چرا که بسترهای لازم تکوینی

و تشریحی، یعنی همراهی خدای سازنده انسان و جهان کائنات و روح سرشته به ربوبیت الهی و قدرت انجام آن به کمک عقل و وجدان و راهنمایی انبیاء برای آن در نظر گرفته شده است.

این باور باعث وحدت‌آفرینی در انگیزه‌ها و اهداف می‌شود و سبک زندگی حول یک محور برگرفته از قوانین تکوینی و تشریحی شکل می‌گیرد. بنابراین، انسان‌ها در زندگی دچار تشتت و پراکندگی در تعلقات متفاوت نمی‌شوند؛ تعلقاتی که هر کدام دل انسان‌ها را به یک سو می‌کشاند (طباطبایی بی‌تا، ۱۶۰). کسانی که اهل اسراف و تبذیر نیستند؛ کسانی که اهل تمایز و خودنمایی نیستند؛ کسانی که تنها به خود و خانواده خویش نمی‌اندیشند؛ کسانی که تفریح و پوشاک و مصرف فرهنگی‌شان همراه با قناعت و مراعات حدود الاهی است، این انسجام را به‌خوبی حس می‌کنند. پیداست که کودکان و نوجوانانِ چنین خانواده‌هایی نیز که به‌تدریج وارد تنش‌های فطرت و طبیعت می‌شوند، با دیدن این سبک زندگی و تربیت والدین و مربیان آزموده، به‌تدریج سبک زندگی‌ای را برمی‌گزینند که به آنان در رفع این تنش‌ها یاری رساند.

اصل انسجام‌بخشی به زندگی از لحاظ اجتماعی نیز پیوندی عمیق میان فرد با جامعه مؤمنان و جامعه ایمانی با امت دینی ایجاد می‌کند و همه نگرش‌ها، گرایش‌ها و جهت‌گیری‌ها را دارای سوگیری واحد می‌سازد. از منظر ملاصدرا، مدینه فاضله ایمانی دارای چنین شاخصه‌ای است. خیر و کمال برتر به اجتماعی خواهد رسید که بیشترین انسجام و بهترین کمک را برای دستیابی به غایت‌ها و خیرهای حقیقی داشته باشد (ملاصدرا ۱۳۸۰، ۴۹۰). در اینجا، نیل به اهداف، نه تنها بدون تنش و رقابت‌های نارواست، که با نوعی یاری هم‌دلانه و یگانگی در علاقه‌ها و میل‌ها تحقق می‌یابد (محمدی پیرو ۱۴۰۰، ۲۴۶-۲۴۸).

۵-۷. عمق‌بخشیدن به لذت‌ها

یکی از کارکردهای سبک زندگی توحیدی این است که کنش‌گرانِ چنین سبکی از نظر سطح ادراک، در حد بالایی قرار دارند. آنان به دلیل دارا بودن از نور ایمان و تقوی از سطح بالایی از تشخیص برخوردارند؛ به همین دلیل صدور کنش‌های برتر از آنان انتظار می‌رود. آنان با تشخیص نفع و ضرر و خیر و شر واقعی افعال، به دنبال برترین عمل و مطلوب و در نهایت، برترین غایت، یعنی خداوند هستند.

سبک زندگی توحیدی بر حقایق عینی، نه باورهای وهمی و خرافی تکیه دارد. به

همین دلیل، اصیل و تعالی بخش است. مطلوب نهایی این سبک زندگی، لذت‌های اصیل، نامحدود و ماندگار است. دارندگان این سبک، از لذت‌های زودگذر به سوی لذت‌های پایدار عبور می‌کنند. در اینجا به جای عالم ماده و لذت‌های آن، عالم معنا و لذت‌های آن آنان را مسحور خویش می‌سازد. در نتیجه حرکت آنان به سمت غایات برتر هموار و آسان خواهد بود.

در سبک زندگی توحیدی، شخص علاوه بر بهره‌بردن از لذت‌های محسوس و مادی، از لذت‌های معنوی نیز بهره می‌برد؛ چیزی که دیگران از آن بی‌نصیب‌اند؛ چنان‌که در زندگی بسیاری از اهل ایمان شاهد هستیم که آنان نیز اهل تفریح و خرید و مصرف فرهنگی و ... هستند، اما، در کنار آن، مراقب اعمال عبادی خویش، مراقب چشم و زبان و گوش و قلب خویش نیز هستند تا به نافرمانی خداوند دچار نشوند. آنان در هر جا مراقب هستند تا لذت خشنودی خداوند را از دست ندهند.

قوت و شدت ادراک حقایق عالم و دیدن ماورای عالم حس، لذت‌بردن از زندگی را به بالاترین سطح خود ارتقاء می‌بخشد. مؤمن در اینجا از مفهوم و صورت ذهنی محسوسات فراتر رفته، با توجه به ظرفیت وجودی خویش و شدت ادراک‌ها، حقایق عالم را درک می‌کند. به همین دلیل است که در اینجا مصرف، تفریح، مد و سایر لذت‌های بدنی در پایین‌ترین بخش لذت‌های او جای می‌گیرد.

در این سبک زندگی، شخص به جای توسعه صرف گزینش‌ها به تعالی بخشیدن آنها می‌اندیشد. این نیز ناشی از این امر است که هویت و ذات یک مؤمن و موحد با هویت و ذات یک غیرمؤمن اختلاف نوعی دارد. این تفاوت به برتری وجودی آنان بازمی‌گردد. وجود مؤمن برتر از وجود کافر و بنابراین ادراک او از لذت‌ها قوی‌تر از ادراک کافر است؛ چرا که او از مرتبه لذت‌های پست و حسی عبور کرده، به مراتب بالای عقل نظری و عملی دست یافته است (محمدی پیرو، ۱۴۰۰، ۲۳۶). از منظر حکمای اسلامی هر چه وجود شیء قوی‌تر باشد، لذتش نیز بیشتر خواهد بود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۴: ۱۳۵). به بیان ملاصدرا «نفس مؤمن موحد به حسب جوهر و ذات با نفس کافر تفاوت نوعی دارد؛ چه رسد به تفاوت شخصی» (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ۲۷۲). نفس یک مؤمن شریف‌تر و برتر از نفس یک کافر است و نفس هر چه شریف‌تر و برتر باشد، خواسته‌هایش نیز لطیف‌تر و زیباتر خواهد بود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۷، ۱۶۵). و به همین سان افعال، رفتارها و سبک زندگی او نیز به گونه‌ای دیگر خواهد بود (محمدی پیرو، ۱۴۰۰، ۱۱۹-۱۲۱).

۶-۷. دست‌یابی به تعادل

در جهان هستی، به‌ویژه جهان انسانی، روابط بسیار متعدد و پیچیده‌ای وجود دارد و نیروهای بسیاری، اعم از جهان بیرونی و قوای درونی بر انسان‌ها تأثیر می‌نهند و از او تأثیر می‌پذیرند. نتیجه این است که زندگی انسان تحت‌الشعاع قوای متفاوت قرار می‌گیرد و تعادل بخشیدن به آن و برآوردن همهٔ اقتضائات مادی و معنوی و جسمی و روحی و فردی و اجتماعی آن کاری دشوار خواهد بود. به همین دلیل است که بسیاری از انسان‌ها در راه‌یابی به مقصد و مقصود سردرگم می‌مانند و نمی‌توانند قوای مختلف نفس را به‌صورت متعادل اشباع کنند و آنها را در یک مسیر حقیقی و سعادت‌بخش قرار دهند.

از مهم‌ترین ثمرات توحیدباوری این است که برنامهٔ جامع و منسجمی جهت تنظیم این روابط بیرونی و درونی و تعدیل قوا و نیروهای مختلف نفس، برای نیل به غایت برتر ارائه می‌دهد که باعث نوعی عدالت تکوینی و تشریحی در سبک زندگی موحدان می‌شود. این برنامهٔ جامع هم به سلامت جسم و برطرف‌ساختن نیازهای آن کمک می‌کند، هم روح و جان انسان را در مسیر تعالی و شکوفایی قرار می‌دهد. خداوند با ربوبیت تکوینی خویش بدن و روح همهٔ انسان‌ها و نیازهای بدنی و روحی آنان را از تعادل نسبی برخوردار کرده است (ملاصدرا ۱۳۸۰، ۲۵۹). مهم این است که شخص بتواند با پیروی از ربوبیت تشریحی خداوند این تعادل تکوینی را حفظ کند و آن را دچار تباهی انحراف و بیماری‌های روحی و جسمی نسازد. به عنوان نمونه، نادیده‌گرفتن نیازها و قوای روحی و توجه بیش از حد به نیازها و قوای شهوانی و جسمی، نفس را از مسیر فطری خویش منحرف می‌سازد و آن را در معرض معصیت و بیماری‌های باطنی قرار می‌دهد و لطافت و صفای آن را می‌گیرد. در اینجاست که دیگر روح محل انعکاس اشراقات انوار هدایت ربانی قرار نمی‌گیرد. نفس با رهایی‌یافتن از اطاعت امیال حیوانی، به اعتدال خویش بازمی‌گردد و مستعد طاعت حق و قبول نور معارف و نیل به کمالات مراتب بالاتر می‌شود (ملاصدرا ۱۳۶۳، ۹۵). در اینجاست که همهٔ افعال و رفتار او تحت کنترل قوای برتر قرار می‌گیرد و در نتیجه، افعال و رفتار او عادلانه و اخلاقی می‌شود و نفس در مقابل افراط و تفریط قوای مختلف منفعل نمی‌شود (محمدی پیرو ۱۴۰۰، ۲۵۴-۲۵۶).

۷-۷. گزینش کنش عقلانی در زندگی

از مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی برتر آن است که گزینش‌های صاحب آن بر اساس عقلانیت و حکیمانه باشد؛ بدین معنا که کنش‌گر با بررسی همهٔ جوانب، با غربال‌گری و

دوراندیشی و هدف‌مندی و مبتنی بر کشف روابط بین ابزار و اهداف معقول، دلیل موجهی برای گزینش‌های خویش داشته باشد. نظام توحیدی نوعی بنیان برای نیل به این شاخصه است؛ چرا که با مطمئن‌ترین ابزار به نام وحی و نبوت انسان‌ها را به بهترین هدف، یعنی کمال سزاوار آفرینش آنان می‌رساند. به همین دلیل است که انتخاب نکردن آنچه خداوند حکیم خطاناپذیر برای زندگی بشر برگزیده است، امری نامعقول است (محمدی پیرو ۱۴۰۰، ۲۵۷).

پیداست که منظور از عقلانیت در اینجا عقلانیت ابزاری و دنیوی‌شده خودمحور نیست؛ که تنها به سود و زیان مادی و تمایلات نفسانی خودمحورانه می‌اندیشد و راحت‌ترین راه را برای رسیدن به آن مد نظر دارد؛ حتی مقصود، عقلانیت متافیزیکی و نظری و عقلانیت اخلاقی و عملی و عقلانیت انتقادی نیست. عقلانیت زندگی موحدانه، عقلانیت شهودی متکی بر وحی و ناشی از تهذیب نفس است، که جمع بین دنیا و آخرت و ایجاد تعادل میان خواسته‌های جسمی و روحی و توجه به هدف آفرینش را به دنبال دارد.

۷-۸. سنجش‌پذیری جنبه‌های سنجش‌ناپذیر امور

از واقعیت‌های عالم هستی و وجود انسان بر مبنای نظام توحیدی، وجود جنبه‌های سنجش‌ناپذیر و امور ناپیدا در عالم، اعم از اوضاع فلکی و امور معنوی و ماورائی (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۲: ۲۶۰) و تأثیر آنها در زندگی و رفتار انسان‌هاست. علل و اسباب مؤثر در کار جهان منحصر به امور مادی نیست؛ یک سلسله امور معنوی و نیروهای ذخیره‌شده در جهان نیز در تغییر سرنوشت‌ها سهیم هستند (مطهری ۱۳۸۹، ۱: ۴۱۲). در این نگاه، انسان مؤمن تنها به خود و تلاش خویش متکی نیست؛ امدادهای غیبی و نیروهای معنوی او را در دست‌یابی به اهداف الهی یاری می‌رسانند؛ هم‌چنان‌که او را از لغزش‌ها و انحرافات بازمی‌دارند. مطابق این منطق، نظام عالم و جریان کلی هستی در برابر مردمی که در راه صحیح یا باطل گام برمی‌دارند، بی‌طرف و بی‌تفاوت نیست و چنین نیست که نتیجه کار انسان‌ها تنها به یک چیز وابسته باشد؛ میزان تلاش آنان (مطهری ۱۳۸۹، ۱: ۴۱۴).

در نگاه توحیدی باورمند به قضا و قدر الهی، جهان به‌گونه‌ای طراحی شده است که تلاش و فداکاری در راه عقیده و ایمان باعث جلب حمایت دستگاه علی و معلولی جهان می‌شود. در اینجا صدها هزار برابر نیرویی که او در راه هدف الهی‌اش صرف می‌کند، نیروی ذخیره‌شده موجود در جهان به یاری او می‌شتابد (مطهری ۱۳۸۹، ۱: ۴۱۴).

بنابراین، این باور باعث می‌شود که نیروهای نهفته در عالم و تأثیرگذار بر زندگی انسان نیز سنجش‌پذیر شوند و او در انجام کارهایش و تنظیم زندگی‌اش برای آنها نیز حساب ویژه‌ای باز کند. قرآن کریم به این حقیقت تصریح کرده است و در موارد بسیاری تکیه بر اسباب عادی و مادی عالم را به کنار می‌نهد و پیوسته در صدد تفهیم این مطلب به مؤمنان است که علاوه بر اسباب عادی و مادی، امور دیگری، نظیر خواست و قدرت خداوند، دعا و ... را نیز به عنوان اسباب تأثیرگذار در عالم و در زندگی انسان‌ها ببینند؛ نظیر سرد و سلامت شدن آتش برای حضرت ابراهیم، شکافته شدن دریا برای موسی و چنان‌که در آیاتی دیگر به این حقایق اشاره می‌کند که اگر مردم به یاری دین خدا برخیزند، خداوند نیز به یاری آنان برمی‌خیزد (محمد: ۷) و در تعبیری دیگر به وضوح خداوند را مدافع و پشتیبان مؤمنان معرفی می‌کند (حج: ۳۸). هم‌چنان‌که در جاهای دیگر استغفار و توبه را باعث فراوانی نعمت می‌داند (هود: ۵۲؛ نوح: ۱۰-۱۱).

۹-۷. دست‌یابی به علم برتر

یکی از شاخصه‌های اندازه‌گیری برتری یک سبک زندگی بر دیگر سبک‌ها، علم و دانش و فن و مهارت آن است. به‌یقین کسانی که مثلاً از دانش و مهارت معماری و تجارت و صناعات مختلف برخوردارند، قدرت برتری در توسعه کمی و کیفی زندگی خویش دارند. از منظر رویکرد توحیدی، نه تنها این علوم و فنون پذیرفته شده است، دانش دیگری نیز به کمک مؤمنان می‌آید و افق دید آنان را توسعه می‌بخشد. این دانش به واسطه شناخت حقایق عالم از طریق خداآوری و به تبع آن، استفاده از دانش بی‌کران وحی و علم لدنی انبیاء و اولیاء و تهذیب نفس است. کسانی که این دو سرمایه فرهنگی مهم را در زندگی خویش به کار می‌گیرند، یقیناً می‌توانند بهره کمی و کیفی بیشتری از زندگی ببرند و گزینه‌های بهتر و برتری پیش روی خود خواهند داشت. پیداست که دانش مبتنی بر تهذیب نفس ناشی از باور به تدبیر و دخالت الهی در زندگی انسان است؛ هم‌چنان‌که تن‌دادن به این ربوبیت انسان را از بسیاری از علوم و معارف حکیمانه بی‌نصیب می‌سازد (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۵: ۱۵۹). کسانی که به بندگی و ربوبیت الهی گردن نمی‌نهند، استعدادشان محصور در ابزارهای حسی و عقلی و محدودیت‌ها و خطاهای آنها می‌شود و بنابراین در تشخیص خوبی‌ها و بدی‌ها و زشتی‌ها و زیبایی‌ها دچار سردرگمی می‌شوند و احتمال خطا در زندگی آنان افزایش می‌یابد.

۱۰-۷. تأثیرگذاری در نیل به ارزش‌ها

از کارکردهای دیگر باور به ربوبیت الهی در زندگی بشر، کمک‌رسانیدن به انسان برای نیل به ارزش‌ها و فضایل است. زندگی انسان‌ها اگر بخواهد رنگ و بوی الهی و انسانی داشته باشد، باید آمیخته با ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و زیستی باشد. پذیرش ربوبیت الهی به مؤمنان کمک می‌کند به لحاظ زیستی زندگی پاکیزه و به دور از ناپاکی‌های جسمانی داشته باشند (طهارت ظاهری) (مشکینی ۱۳۹۲، ۳۷۹؛ نجفی ۱۴۰۴، ۱، ۳، ۸، ۲۹، ۵۵)؛ به لحاظ روحی اهل فروتنی و خوش‌خلقی و هم‌نوایی با دیگران، به‌ویژه با زیردستان و عدم برتری‌جویی باشند؛ با ظلم و ظالم و استکبار و مستکبر سر ناسازگاری داشته باشند و از خدعه و نیرنگ و وسوسه‌های شیطانی به دور باشند (طهارت باطنی) (نراقی ۱۳۷۷، ۸۳۹؛ ملکی تبریزی ۱۳۷۸، ۱۰؛ حسن‌زاده آملی ۱۳۷۶، ۶۴).

۱۱-۷. ارائه طیف گسترده‌ای از مفاهیم منسجم مرتبط با بحث

در نهایت این‌که، از بزرگ‌ترین دستاوردهای باور به خداوند، استخراج و گردآوری طیف وسیعی از مفاهیم منسجم و منحصربه‌فرد درباره سبک زندگی است. این مفاهیم به دلیل پیوند حقیقی میان تکوین و تشریح، مفاهیم انتزاعی محض نیستند، بلکه ناظر به جهان بیرون‌اند؛ به‌گونه‌ای که با شخصی‌ترین افعال رابطه تنگاتنگ دارند. به عنوان نمونه، به مفاهیمی چون شب‌زنده‌داری، سحرخیزی، کم‌خوابی، کم‌خوردن، غم و شادی در سوگ و شادی اهل بیت (ع)، زیارت اماکن مقدسه، احترام به محیط زیست به عنوان هدیه و نعمت الهی، معماری اندرونی و بیرونی منزل متناسب به محرم و نامحرم و معماری بیرونی آن متناسب با شأن ایمانی و ... می‌توان اشاره کرد.

این مفاهیم کاربردی، به‌هم‌پیوسته و وحدت‌آفرین برای توجیه و تبیین آموزه‌های زندگی را در جای دیگری نمی‌توان یافت. معنای این مفاهیم از چارچوب‌های گسترده‌تر نگرش‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی گرفته شده است. این مفاهیم را می‌توان در چهار دسته قرار داد: مفاهیم ناظر به رابطه انسان با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت. واضح است که اگر این مفاهیم بر چارچوب‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی سستی استوار باشد، سبک زندگی نیز جز مجموعه‌ای سست و بی‌پایه نخواهند بود (محمدی پیرو ۱۴۰۰، ۱۸۳-۱۹۹).

۸. کارکردهای جمعی و اختصاصی توحید در زندگی

یک نکته درباره این موارد یازده‌گانه تأثیر توحید بر سبک زندگی این است که، ممکن است

این تصور پیش آید که این تأثیرها مانع نیستند و می‌توانند بدیل‌هایی اعم از دین توحیدی، شبه‌دین و غیردین، نظیر روان‌شناسی، عرفان‌های سکولار و هنر را نیز در بر بگیرند. اما، حقیقت این است که این موارد من حیث المجموع، اثرات اختصاصی توحید هستند و مجموع آنها، که اثر تامی در زندگی یک مؤمن دارند، از غیر دین توحیدی بر نمی‌آیند. حتی برخی از آنها به‌تنهایی فقط از دین توحیدی ناشی می‌شوند، نظیر دست‌یابی به فهم عمیق و جامع از انسان و جهان، عمق‌بخشیدن به لذت‌های اصیل و ماندگار، گزینش کنش عقلانی مبتنی بر وحی در زندگی و دست‌یابی به علم برتر شهودی و غیراکتسابی معصوم و وحی و تهذیب نفس.

۹. انواع سبک زندگی توحیدی

با توجه به درجه ادراک و ایمان مؤمنان نسبت به خدای متعال و غایت هستی، سبک زندگی دارای مراتب متفاوت تشکیکی است. این تفاوت درجه ایمان و ادراک نیز به مراتب متفاوت کمال و نقص وجودی افراد وابسته است؛ چرا که منشأ هر گونه تفاوت در اوصاف به تفاوت در مراتب و ساختار وجودی بازمی‌گردد (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۵: ۱۸۶). مطابق آیه شریفه «هر کس مطابق ساختار وجودی خویش عمل می‌کند» (اسراء: ۸۴)، کسانی که دارای ساختار وجودی الهی هستند، دارای سبک زندگی الهی و سایرین دارای سبک‌های دیگر هستند. حتی خود مؤمنان نیز، با توجه به درجه تشکیکی ایمان و عمل صالح، دارای طیف‌های متفاوتی از زندگی ایمانی خواهند بود. با توجه به این نکته، حداقل می‌توان سه نوع سبک زندگی توحیدی ترسیم کرد؛ که هر یک از آنها نیز خود دارای گونه‌های متعدد و تشکیکی است. به تعداد حالات، ادراکات و مراتب ایمان و عمل صالح، در این سه سبک زندگی، مراتب وجود دارد.

۹-۱. سبک زندگی اسلامی

پایین‌ترین مرتبه و حد نصاب سبک زندگی توحیدی، سبک زندگی اسلامی است. «اسلام» در اینجا به معنای تسلیم‌شدن و بیان زبانی شهادتین، جهت اقرار به ربوبیت الهی است. این سبک زندگی از آن کسانی است که تنها از ظواهر شریعت آگاه هستند و بدان عمل می‌کنند؛ هرچند به دلیل پذیرش مبدأ و معاد، امکان و زمینه تعالی سبک زندگی آنان وجود دارد. به دلیل عمق نداشتن این اقرار و پذیرش، دارندگان این سبک، از سبک‌های مختلف زندگی تأثیر می‌پذیرند و احتمال دگرگونی پیوسته سبک‌های آنان بسیار است.

۲-۹. سبک زندگی ایمانی

به دلیل برتری ایمان بر اسلام، سبک زندگی ایمانی بالاتر از سبک زندگی اسلامی است. دارندگان این سبک به لوازم اقرار و پذیرش خویش باور دارند و این تصدیق با قلب آنان پیوند یافته است. این باور درونی باعث ظهور کمالات انسانی به صورت روشن تر و زلال تر می‌گردد؛ زیرا کسانی که ابزارهای بدنی را در مسیر رهایی از قید و بندهای دنیا بهتر به کار گیرند و برای نیل به فضایل مشتاق تر باشند، ترقی شان به مراتب کمال و حالات برتر و بروز شاخصه‌های انسانی بیشتر خواهد بود (محمدی پیرو، ۱۴۰۰، ۱۲۷-۱۲۸).

در این مرتبه، مطلوب همه قوا به صورت معتدل حاصل می‌شود؛ چنین نیست که خواسته‌های یک قوه بیشتر از سایر قوا ارضاء شود؛ زیرا نفس به مرتبه‌ای از قدرت رسیده است که بتواند میان قوا تعادل ایجاد کند. در اینجا حتی امور به ظاهر مادی و صرفاً لذیذ دنیوی نیز فعلی اخلاقی و دارای کمال به حساب می‌آیند. به عنوان نمونه، عمل جنسی، به رغم ارضای قوه شهوت جنسی، در خدمت مقاصد قوای برتر و دارای صفت خیر و در نتیجه فعلی اخلاقی و کمالی است. همه افعال قوای دیگر نیز این چنین هستند. این افعال و لذایذ، به رغم تأثیر طبیعی خود، بدون کاستن چیزی از آنها، ذیل غایات قوای برتر قرار گرفته، زندگی برتر و متعالی را شکل می‌دهند (ملاصدرا بی تا، ۲۷۸).

۳-۹. سبک زندگی ربانی

عالی‌ترین مرتبه سبک زندگی توحیدی، سبک زندگی ربانی است. در این نوع سبک زندگی، شخص با ترک توجه به ذات خود، در حق فانی می‌شود. سالکان و ساکنان این مرتبه نه تنها خود، که همه دنیا را مظاهر و جلوه‌های حق می‌بینند و اصالتی برای خویش و اشیاء قائل نیستند؛ به همین سبب، همه افعال و رفتارشان برای خدا، از خدا و به سوی خدا است (ملاصدرا بی تا، ۶۷).

شخص نائل آمده به این مرحله به حقایق امور توجه دارد و دیدن حق، نه معرفت به آن، در همه رفتارها معیار عمل او قرار می‌گیرد و در نتیجه، به ایمان حقیقی دست یافته، از تاریکی انگیزه‌های قوای مادی و بدنی عبور کرده، به مقام نور روح می‌رسد. در اینجا اراده او فانی در اراده الهی می‌شود؛ به گونه‌ای که همه افعال او خدایی می‌شود و کمیت تأثیری در سرنوشت ابدی او ندارد. چنان‌که در حدیث آمده است که «ای داوود! آنچه را می‌گویم بشنو!؛ که حق را می‌گویم؛ هر کس با یک کار نیک بر من وارد شود، او را در بهشت وارد می‌سازم» (حر عاملی ۱۴۰۲، ۱۶: ۳۷۴).

دارندگان این حالت نسبت به دنیا بی‌رغبت، و به انس و خلوت با خدا راغب هستند. آنان از زندگی خویش راضی هستند؛ به‌گونه‌ای که هیچ نگرانی‌ای درباره آینده و سرانجام خویش و هیچ ترسی نسبت به گذشته ندارند (نک. بقره: ۶۲، ۱۱۲؛ آل عمران: ۱۷۰). چرا که به مطلوب حقیقی خویش دست یافته‌اند. از این‌رو نفس‌شان از همه سختی‌ها و ناراحتی‌ها آسوده گشته، تحمل سختی‌ها برای‌شان آسان است (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۷: ۱۸۷).

در این سبک زندگی است که همه امور نباتی، حیوانی، انسانی و الهی یکسان گشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که اعمال به‌ظاهر کم‌اهمیت، نظیر تفریح و خوردن و آشامیدن تا امور سرنوشت‌ساز فردی و اجتماعی، همگی در زمره امور مقدس هستند؛ هرچند درجه قداست آنها متفاوت است (جوادی آملی ۱۳۸۸، ۹۸).

دارندگان چنین سبک زندگی‌ای به لحاظ کمیت گزینه‌های بیشتر و به لحاظ کیفیت گزینه‌های عمیق‌تری پیش روی خویش دارند. این دست‌یابی به حیات الهی و قدسی باعث شده است که درخشندگی قوه برتر و بالاتر حیات آنان بر قوای پایین‌تر نیز تأثیر بنهد و از قوای پایینی نیز لذت بیشتری ببرند. نفس حیوانی در مواجهه با پرتوافکنی چنین نفس نورانی‌ای افعال خود را لطیف‌تر و شریف‌تر انجام می‌دهد و به اموری آگاه می‌گردد که دیگر حیوانات از آنها اطلاعی ندارند (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۷: ۱۶۷).

در این سبک زندگی است که بدون افراط و تفریط از سهم بدن گرفته و به روح داده می‌شود؛ چنان‌که امام علی (ع) در توصیه به این سبک زندگی می‌فرماید: «شب‌زنده‌داری کنید و شکم‌های‌تان را خالی از غذا نگاه دارید و قدم‌های خیر بردارید و از اموال‌تان انفاق کنید و از بدن‌های‌تان برگرفته به جان‌های‌تان ببخشید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳).

این سبک زندگی، به‌رغم پیروان اندک، قابل دست‌یابی برای همگان است؛ چرا که همگان زیبایی‌ها و لذت‌های مادی و ظاهری را درک می‌کنند و همین لذت‌ها و زیبایی‌ها، راهنمای لذت‌ها و زیبایی‌های روحانی و ربانی است (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۷: ۱۸۵). کسانی که چشم خداین دارند، در همه چیز خدا را می‌بینند؛ با نگاه به طبیعت، شگفتی‌های خلقت و تنوع آفریدگان و پیچیدگی جهان خلقت و وجود انسان، لذت ماندگار کرنش در برابر خالق آنها و زیبایی نهفته در ورای آنها برایشان تحقق می‌یابد.

نتیجه‌گیری

دستاوردهای این نوشتار را در چند جمله خلاصه می‌کنیم:

۱. امروزه موضوع سبک زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از بحث‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی عبور کرده، به موضوعات الاهیاتی و ادیانی نیز کشیده شده است.
۲. به‌رغم تعریف‌های متفاوت از سبک زندگی، با توجه به مؤلفه‌های متفاوت تأثیرگذار در سبک زندگی، آنچه نقش ویژه و مهم دارد، جهان‌بینی و بنیان‌های هستی‌شناختی است؛ این جهان‌بینی است که سبک زندگی را به دو گونه مهم الاهی و مادی تقسیم می‌کند. به بیان دیگر، از اذعان خود جامعه‌شناسان به خاستگاه‌های متعدد سبک زندگی می‌توان به این مطلب مهم دست یافت که یکی از خاستگاه‌های برجسته سبک زندگی، دین و باورهای بنیادین آن است.
۳. مهم‌ترین بنیان سبک زندگی یک مسلمان، یعنی توحید، در همه ابعاد زندگی یک مسلمان نمود دارد و به او اجازه نمی‌دهد در موقعیت‌های عملی زندگی بی‌تفاوت از کنار آن بگذرد.
۴. سبک زندگی توحیدی منحصر به زمان و مکان خاصی نیست و دست‌یابی به آن در همه زمان‌ها و مکان‌ها امکان‌پذیر است؛ چرا که ربوبیت خداوند محدود و مقید به زمان و مکان خاصی نیست.
۵. سبک زندگی مؤمن به خداوند با سبک زندگی غیرمؤمن تفاوت بنیادین دارد و نمی‌توان به یک سبک زندگی برای هر دو قائل شد. بنابراین، خدا‌باورانی که سبک زندگی‌شان با شیوه زندگی غیرخدا‌باوران تفاوت چندانی ندارد، باید در باور خویش به خداوند تأمل جدی کنند. حداقل چیزی که می‌توان گفت این است که آنان به الحاد عملی و باور به خدا و عمل نکردن بر طبق این باور گرفتار شده‌اند و باید به درمان آن پردازند.
۶. سبک زندگی توحیدی دارای مراتب تشکیکی است و چنین نیست که تنها با یک گونه سبک زندگی موحدانه مواجه باشیم.
۷. به‌رغم تقسیم سه‌گانه ما در سبک زندگی توحیدی، با توجه به تشکیکی بودن آن، تمایز سبک زندگی ایده‌آل توحیدی در گستردگی ابعاد و عمق آن است؛ بدین معنا که مطلوب نهایی در زندگی توحیدی، سبک زندگی ربانی است؛ اما سبک‌های زندگی اسلامی و ایمانی نیز پذیرفته شده است. شاید بتوان گفت که رساله‌های عملی و فقه متکفل سبک زندگی اسلامی و ایمانی هستند و دعاها و مناجات‌های خاص اهل بیت (ع) و عرفان اهل بیت (ع) و زندگی عملی اهل بیت (ع) متفکل سبک زندگی ربانی هستند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

ایزوتسو، توشی‌هیکو. ۱۳۶۸. *خدا و انسان در قرآن*. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بورديو، پی‌یر. ۱۳۸۰. *نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی*. ترجمه مرتضی مردی‌ها. تهران: نقش و نگار.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸. *اسلام و محیط زیست*. قم: اسراء.

حداد عادل، غلامعلی. ۱۳۸۹. *مجموعه مقالات نشست اندیشه‌های راهبردی*. تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی و انتشارات پیام عدالت.

حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۲ ق. *وسائل الشیعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۷۶. *نور علی نور*. قم: تشیح.

سلیگمن، مارتین، و همکاران. ۱۳۸۳. *کودک خوش‌بین*. ترجمه فروزنده داورپناه، تهران: رشد.

شریف لک‌زایی. ۱۳۸۷. *سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه (دفتر اول)*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

شرفی، احمدحسین. ۱۳۹۲. *سبک زندگی اسلامی ایرانی*. تهران: آفتاب توسعه.

صدرالدین شیرازی، محمد. ۱۳۰۲ ق. *مجموعه الرسائل التسعه*. تهران: بی‌نا.

صدرالدین شیرازی، محمد. ۱۳۶۰. *أسرار الآيات*. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.

صدرالدین شیرازی، محمد. ۱۳۶۱. *العرشیه*. تهران: مولی.

صدرالدین شیرازی، محمد. ۱۳۶۳. *تفسیر القرآن الکریم*. ج. ۱. تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.

صدرالدین شیرازی، محمد. ۱۳۷۵. *مجموعه رسائل فلسفی صدرالمآلهین*. تهران: حکمت.

صدرالدین شیرازی، محمد. ۱۳۸۰. *المبدأ و المعاد*. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

صدرالدین شیرازی، محمد. ۱۹۸۱. *الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الاربعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

صدرالدین شیرازی، محمد. بی‌تا. *ایقناظ النائمین*. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.

طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۶۳ ق. *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه اعلمی.

طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۸۸. *بررسی‌های اسلامی*. ج. ۲. قم: بوستان کتاب.

طباطبایی، محمدحسین. بی‌تا. *رساله لب اللباب*. مشهد: علامه طباطبایی.

علی‌خانی، اسماعیل. ۱۳۹۴. «برخی از شاخصه‌های زندگی معنادار در اسلام». *جستارهای فلسفه دین*، ۴(۲): ۱۱۱-۱۳۲.

- فارابی، ابونصر. ۱۹۹۵. *آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداتها*. بیروت: مکتبه الهلال.
- فاضلی، محمد. ۱۳۸۲. *مصرف و سبک زندگی*. تهران: صبح صادق.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۱۳ ق. *اصول کافی*. بیروت: دار الأضواء.
- گیدنر، آنتونی. ۱۳۸۲. *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- محمدی پیرو، احمد. ۱۴۰۰. *توحید و سبک زندگی متعالیه*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مشکینی، علی. ۱۳۹۲. *مصطلحات الفقه*. قم: دارالحديث.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. *خدا در زندگی انسان*. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۹. *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا. ۱۳۷۸. *أسرار الصلاة*. تهران: پیام آزادی.
- نجفی، محمدحسن. ۱۴۰۴ ق. *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، ملا احمد. ۱۳۷۷. *معراج السعادة*. قم: هجرت.

Bibliography

Holy Qur'an

Nahj al-balāgha

Adler, Alfred. 1956. *The Individual Psychology of Alfred Adler*. New York: Basic Books Inc.

Al-Ḥurr al-ʿĀmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1981. *Wasā'il al-Shī'ah*. Beirut: Dar Iḥyā' al-Turath al-ʿArabī. (In Arabic)

Alikhani, Ismail. 2016. "Some Characteristics of Meaningful Life in Islam." *Jostarha-ye Falsafe-ye Din*, 4(2): 111-132. (In Persian)

Al-Najafi, Muhammad Hasan. 1983. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām*. Beirut: Dar Iḥyā' al-Turath al-ʿArabī. (In Arabic)

Bourdieu, Pierre. 2001. *The Theory of Practice: Practical Reasons and Rational Choice*. Translated by Morteza Mardiha. Tehran: Naqsh va Nigār. (In Persian)

Bourdieu, Pierre. 1984. *Distinction*, New York: Routledge & Kegan paul.

Cockerham, William, Thomas Abel, & Gunther Luschen. 1993. "Max Weber, Formal Rationality and Helth Lifestyles", *The Sociological Quarterly*, 34(3): 413-425.

Extremera, Natalio, Auxiliadora Durán, and Lourdes Rey. 2009. "The Moderating Effect of Trait Meta-mood and Perceived Stress on Life Satisfaction." *Personality and Individual Differences*, 47(2).

- Fārābī, Abū Naṣr (al-Farabi). 1995. *Ārā' al-'Ahl al-Madīna al-Fāḍila wa Muḍāddātuhā*. Beirut: Maktaba al-Hilāl. (In Arabic)
- Fazeli, Mohammad. 2002. *Consumption and Lifestyle*. Tehran: Şubḥ-i Şādiq. (In Persian)
- Giddens, Anthony. 2003. *Modernity and Self-identity*. Translated by Naser Movafaghian. Tehran: Nashr-i Niy. (In Persian)
- Haddad Adel, Gholamali (ed.). 2009. *Collected Articles of the Strategic Thought Meeting*. Tehran: Secretariat of the Strategic Thought Meeting and Payām-i Idālat Publications. (In Persian)
- Hassanzadeh Amoli, Hassan. 1997. *Nūr 'alā Nūr*. (Light upon Light). Qom: Tashayyu'. (In Persian)
- Hick, John. 1999. "The Religious Meaning of Life." In *The Meaning of Life in the World Religions*, edited by Joseph Runzo and Nancy M. Martin. Oxford: Oneworld.
- Izutsu, Toshihiko. 1965. *God and Man in the Qur'an*. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islāmī. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdollah. 2008. *Islam and the Environment*. Qom: Nashr-i Asrā'. (In Persian)
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb (Al-Kulayni). 1992. *Uṣūl al-Kāfi*. Beirut: Dār al-Aḍwā'. (In Arabic)
- Lakzaee, Sharif. 2007. *Transcendental Politics from the Perspective of Transcendent Theosophy*, Vol. 1. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. (In Persian)
- Loov, Thomas, & Fredrik Miegel. 1990. "The Nation of Lifestyle: Some Theoretical Consideration." *The Nordicom Review of Nordic Mass Communication Research*, 1: 21-31.
- Maleki Tabrizi, Mirza Jawad Agha. 1999. *Asrār al-Şalāh*. Tehran: Payām-i Āzādī. (In Arabic)
- Meshkini, Ali. 2012. *Terminology of Jurisprudence*. Qom: Dār al-Ḥadīth. (In Arabic)
- Mohammadi Peiro, Ahmad. 2021. *Monotheism and Transcendental Life Style*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)
- Motahhari, Morteza. 1378. *God in Human Life*. Qom: Şadrā. (In Persian)
- Motahhari, Morteza. 1389. *Collected Works*. Tehran: Şadrā. (In Persian)
- Naraqī, Mulla Ahmad. 1998. *Mi'rāj al-Sa'āda*. Qom: Hijrat. (In Persian)
- Şadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad bin Ibrāhīm (Mulla Sadra). 1884. *Majmū'a rasā'il al-Tis'a*. Tehran: n.p. (In Arabic)
- Şadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad bin Ibrāhīm (Mulla Sadra). 1981. *al-'Arshīyya*. Tahran: Muvlā. (In Arabic)
- Şadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad bin Ibrāhīm (Mulla Sadra). 1981. *Al-Ḥikma*

- al-Muta'aliya fi-l-Asfār al-'Aqliyya al-Arba'a*. Beirut: Dar Iḥya' al-Turath al-'Arabī. (In Arabic)
- Şadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad bin Ibrāhīm (Mulla Sadra). 1981. *Majmū'ih-yi rasā'il-i falsafī-yi Şadr al-Muta'llihīn*. Tehran: Intishārāt-i Ḥikmat. (In Arabic)
- Şadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad bin Ibrāhīm (Mulla Sadra). 1982. *Asrār al-Āyāt*. Tehran: Anjuman-i Ḥikmat va Falsafih-yi Irān. (In Arabic)
- Şadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad bin Ibrāhīm (Mulla Sadra). 1997. *Tafsīr al-Qur'ān al-Karīm*. Tehran: Mu'assisih-yi Taḥqīqāt-i Farhangī. (In Arabic)
- Şadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad bin Ibrāhīm (Mulla Sadra). 2001. *al-Mabda' wa-l-Ma'ād*. Qom: Daftar-i Tabliḡhāt-i Ḥuvzih-yi 'Ilmīyyih-yi Qom. (In Arabic)
- Şadr al-Dīn Shīrāzī, Muḥammad bin Ibrāhīm (Mulla Sadra). n.d.. *Īqāz al-Nā'imīn*. Tehran: Anjuman-i Ḥikmat va Falsafih-yi Irān. (In Arabic)
- Scheier, Michael F., Charles S. Carver, and Michael W. Bridges. 1994. "Distinguishing Optimism from Neuroticism (and trait anxiety, self-mastery, and self-esteem): A Reevaluation of the Life Orientation Test." *Journal of personality and social psychology*, 67(6).
- Seligman, Martin. 2004. *The Optimistic Child*. Translated by Forouzandeh Davarpanah. Tehran: Rushd. (In Persian)
- Sharifi, Ahmad Hossein. 2013. *Islamic-Iranian Lifestyle*. Tehran: Āftāb-i Tusi'ih. (In Persian)
- Simmel, George. 1964. "The Metropolis and Mental Life." In *The Sociology of George Simmel*, edited by K. H. Woff. New York: Free Press.
- Soble, Michel. 1981. *Lifestyle and Social Structure: Concepts, Definitions and Analyse*. Academia Press.
- Tabataba'i, Muhammad Husayn. 1985. *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Mu'assasa al-A'lamī. (In Arabic)
- Tabataba'i, Muhammad Husayn. 2008. *Islamic Investigations*. Qom: Būstān-i Kitāb. (In Persian)
- Tabataba'i, Muhammad Husayn. n.d. *Risālalih-ye Lub al-Lubāb*. Mashhad: 'Allāmiḥ Ṭabāṭabā'ī. (In Persian)
- Wells, William D. 1976. "Comments on the Meaning of Lifestyle." *Advances in Consumer Research*, 3.

یادداشت‌ها

۱. با توجه به محدودیت ساحت مقاله، برای آگاهی از این امر که هر یک از گروه‌های جامعه مؤمنان، به‌ویژه اولیاء چگونه با مشکلات و مشقت‌های زندگی دنیوی روبرو می‌شوند، بنگرید به رساله منامات و نبوات علامه طباطبایی.